

الحمد لله در ادیان الهی

زینب سادات نوری

الذکر العزیز

انتشارات
پرتو خورشید

انتظار

در ادیان الهی



زینب السادات نوری



انتشارات پرتو خورشید

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۸
ص پ ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفکس: ۷۷۳۲۹۸۲ (۰۲۵۱) - همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

انتظار در ادیان الهی

- ناشر: انتشارات پرتو خورشید / مؤلف: زینب سادات نوری
- طرح جلد و صفحه‌آرایی: مرتضی فتح‌اللهی / لیتوگرافی: نویس
- چاپ و صحافی: زیتون / نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۸۶
- شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه / بها: ۸۰۰ تومان
- شابک: ۱ - ۱۳ - ۲۷۴۳ - ۲۷۴۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸
- کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مراکز پخش:

فروشگاه اینترنتی کتاب

www.p-khorshid.ir

پخش کتاب دریای دانش

تهران: خ انقلاب، خ فخر رازی، کوی فاتحی داریان، پلاک ۳۹

تلفن: ۷ - ۶۶۹۷۷۹۶۴ (۰۲۱) همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

فهرست مطالب

مقدمه	۷
● فصل اول	۱۱
اعتقاد به مهدی موعود، جهانی است	۱۳
وعده‌های پیامبران پیشین	۱۸
آیین یهودیت	۱۹
آیین مسیحیت	۲۸
آیین زرتشت	۳۹
انتظار در ادیان دیگر	۴۳

- فصل دوم ۴۷
- یهودیان و نقش آنان در دوران ظهور ۴۹
- وعدۀ الهی نسبت به نابودی یهودیان ۵۰
- وعدۀ خداوند در فرونشاندن آتش جنگ
یهودیان ۵۴
- رومیان و نقش آنان در زمان ظهور ۶۳
- قیام امام زمان از دیدگاه زرتشتیان ۷۴
- فصل سوم ۷۵
- قرن‌ها و هزاره‌ها ۷۷
- مصلح جویی ۸۳
- منجی آخرالزمان ۹۰
- فهرست منابع ۱۰۳

مقدمه

آخرالزمان اصطلاحی است که در طی سالیان گذشته بارها و بارها شنیده‌ایم و هر چه بیشتر پیش می‌رویم بر استعمال آن افزوده می‌شود. آخرالزمان به بخشی از زمان گفته می‌شود که نسبت به کل زمان این دنیا، بخش پایانی و نهایی آن به شمار می‌آید.

در تعالیم و آموزه‌های بسیاری از ادیان خیر از وقوع آخرالزمان و پایان دنیا در زمان نامشخص از آینده، به

۸ انتظار در ادیان الهی

میان آمده است. در واقع اگر چه آخرالزمان از اعتقادات خاص شیعه است و ریشه در تفکر اسلامی دارد، اما منحصر به مسلمانان نیست. این اصطلاح با تعبیر و مشکل‌های مختلف در ادیان دیگر به کار رفته است. در دنیای امروز، شاید حتی یک دین یا فرقه‌ی دینی یا جماعت مذهبی پیدا نشود که در انتظار موعود منجی دین خود نباشد. پیروان ادیان مختلف جهان معتقدند زمانی می‌آید که در آن زمین در فساد، پوچی انحراف و بحران به سر می‌برد. در آن روز مردم جهان در بیابان سوزان تشنه حقیقت، عدالت و پاکی هستند. این زمان خود نشانه و علامتی برای ظهور منجی بزرگ عالم است که با قدرت الهی خود بر مادی‌گری و فساد و ظلم پیروز می‌شود و دنیا را پر از حق و حقیقت، پاکی و صفا و عدالت می‌نماید. این اعتقادات در همه ادیان به وضوح وجود دارد. تورات، کتاب‌های عهد عتیق یهودیان، انجیل مسیحیان، کتب مقدس برهنمیان، پیروان دین بودا و پیروان دین زردشت نیز ظهور منجی بزرگ

ادیان در آخرالزمان را بشارت می‌دهند. هر چند هر یک از این ادیان تفاسیر و نشانه‌ها و نام‌های مخصوصی برای منجی خود دارند، اما وجود انتظار در همه آنها قابل مشاهده است.

در هر حال هر قوم و ملتی به زبان خود منجی خود را صدا می‌زند؛ مسیحیان می‌گویند مسیح می‌آید، یهودیان می‌گویند شماخیل می‌آید و زرتشتیان معتقدند سوشیانت بزرگ می‌آید.

ولی نزد مسلمانان او از قبیله‌ی بنی‌هاشم و از فرزندان پیامبر اسلام ﷺ است.

او احیاکننده‌ی دین ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام است که آنها به نوبه‌ی خود مبشر ظهور آخرین فرستاده الهی، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند. او می‌آید و تمام ادیان آسمانی را در بهترین پرتو و تحت عنوان واحد اسلام تحقق می‌بخشد.

آری! اندیشه ظهور مهدی (عج) تنها چراغ فروزانی است که می‌تواند تاریکی‌ها و غبار نخستگی را از انسان

بزداید. با ظهور او، انحراف و بی‌عدالتی محو می‌شود و حکومت واحد جهانی تشکیل می‌گردد.

او با حضورش ابرهای خودخواهی و نفاق را کنار می‌زند تا بشر لذت و زیبایی زندگی واقعی را در سایه حکومت اهل بیت علیهم‌السلام و پیاده شدن همه احکام الهی بنا تمام وجود احساس کند.

فصل اول

اعتقاد به مهدی موعود، جهانی است

پیروان سه دین بزرگ دنیا و بیشتر ملت‌های جهان امروز، به ظهور منجی بزرگ در آخرالزمان ایمان دارند؛ آن‌کس که در حکومتش عدل و آسایش سراسر گیتی را فرا گرفته و هرگونه ظلم و ستم از بین می‌رود. یهودیان به این ظهور ایمان دارند. مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام باز می‌گردد. زرتشتیان در انتظار رجعت بهرام‌شاه؛ مسیحیان حبشه در انتظار بازگشت

پادشاهشان تئودور؛ هندوان معتقد به بازگشت «فیشنو»؛
مجوسیان معتقد به زندگی دوباره‌ی «اوشیدر»؛ بودائی‌ها
در انتظار ظهور مجدد «بودا»؛ اسپانیائی‌ها منتظر
پادشاهشان «رودزیک» و مغول‌ها در انتظار بازگشت
«چنگیزخان» می‌باشند. مصریان و چینی‌های پیشین نیز بر
این باورند.

از سوی دیگر، فلاسفه و دانشمندان بزرگ غربی
نیز آشکارا اعلام کرده‌اند که جهان در انتظار
مصلحی بزرگ است که زمام امور جهان را به دست
گرفته و همه انسان‌ها را زیر یک پرچم و یک شعار،
گرد می‌آورد.

از جمله:

۱. برتراند راسل، فیلسوف مشهور انگلیسی می‌گوید:
«جهان در انتظار مصلحی است که آن را در زیر یک
پرچم و یک شعار درمی‌آورد.»

۲. دانشمند بزرگ ایشتن می‌گوید: «روزی که سراسر
جهان را صلح و صفا فراگیرد و مردم با یکدیگر دوست

اعتقاد به مهدی موعود، جهانی است ۱۵

و برادر باشند، دور نیست.»

۳. جالب‌تر و مهم‌تر، سخن برنادشاو فیلسوف معروف انگلیسی است که در کتاب خود «انسان و سوپرمن» بشارت به آمدن مصلح جهانی می‌دهد. استاد محمود عقاد در کتابش به نام «برنادشاو» در این مورد چنین اظهار نظر می‌کند: «به نظر ما هم آمدن سوپرمن برنادشاو محال نیست و سخن او درباره‌ی آن شخص، از حقیقتی ثابت و استوار برخوردار است.»

اما پیروان تمام فرقه‌ها و مذاهب اسلامی، بر اساس بشارت‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان معتقدند و در این امر هیچ‌گونه اختلافی نیست. گروه زیادی از دانشمندان اهل سنت - از آغاز قرن سوم هجری تا به امروز - اعلام داشته‌اند که اعتقاد به این ظهور، نه تنها مورد اتفاق مسلمانان بلکه از اعتقادات مسلم اسلامی است.

نکته مهم تر اینکه بعضی از این بزرگان فتوا داده‌اند که منکر ظهور حضرت مهدی (عج) کافر است و تعدادی فتوا داده‌اند که چنین شخصی با تازیانه‌های دردناک باید تنبیه و مجازات گردد تا به کوری چشمش به حق و واقعیت باز گردد.

بنابراین باید گفت نه تنها بین تمامی مسلمانان، بلکه میان پیروان دیگر ادیان و مکتب‌ها نیز در اصل ظهور، اختلاف و دوگانگی نیست.

واقعیت این است که پیروان ادیان پیشین، ملتها، اقوام، دانشمندان و فیلسوفان شرق و غرب، با وجود همه اختلاف‌ها در دین می‌گویند آیا امکان دارد که این وحدت نظر در مورد ظهور منجی، گزافه‌گویی و بی‌پایه و اساس باشد؟ با نگرشی بر ایمان همه فرقه‌های اسلامی به این مسأله، همین اتفاق نظر را مصداق این عقیده اهل سنت می‌یابیم که در جای خود، ثابت شده است.

به علاوه درمی‌یابیم که اختلاف در مصداق و

اعتقاد به مهدی موعود، جهانی است ۱۷

تشخیص میان مسلمانان و دیگر ملت‌ها و پیروان ادیان دیگر، خللی در اصل ظهور منجی ایجاد نمی‌کند.

اعتقاد پیروان کتاب‌های آسمانی پیشین به ظهور یک منجی در آخرالزمان، بر پایه بشارت‌هایی است که در آیین الهی راستین آنان درباره مهدی (عج) داده شده است، هم‌چنان که نوید ظهور پیامبر اسلام ﷺ را در آن کتاب‌ها می‌یابیم ولی زورمداران و دولت‌مردان - و حتی سردمداران دینی - به دلیل دنیاپرستی، عناد و خودخواهی آن مطالب را پنهان داشته و بر مردم عرضه و بیان نمی‌کنند. در میان آنان، تنها افراد معدودی که به خداوند متعال ایمان واقعی داشته و پرهیزکارند، از آن آگاه بوده که آنها نیز قدرت و امکان افشای آن را ندارند. اما با وجود تمام خیانت‌ها و تحریف‌های انجام شده در کتاب‌های آسمانی پیشین، امروزه بارقه‌هایی از آن حقایق را می‌توان یافت.

وعده‌های پیامبران پیشین

در حال حاضر قدیمی‌ترین کتاب‌های آسمانی منسوب به پیامبران گذشته، کتاب‌های عهدین می‌باشد. اگرچه این کتاب‌ها از دستبرد تحریف در امان نمانده و گروه‌هایی به منظور باقی ماندن ریاست ظاهری و از دست ندادن موقعیت خود پس از آشکار شدن پیامبر آخرالزمان، بسیاری از بشارت‌های روشن را که بر ظهور آن حضرت و اوصیای گرامیش دلالت داشته حذف کرده و یا آنها را از صراحت انداخته‌اند، ولی باز هم بشاراتی در همین کتابها باقی مانده است. از آنجا که امروز کتاب‌های قبل از تورات در دسترس عموم نیست، لذا به ناچار از عهد عتیق آغاز می‌کنیم، هرچند بنا به مدارک باقی‌مانده از بزرگان آیین اسلام هیچ پیامبری برانگیخته نشده مگر به این موضوع اشاره کرده باشد. در این قسمت نمونه‌هایی را به اختصار بیان خواهیم کرد.

آیین یهودیت

«ابومحمد اُردنی» از «سفر ارمیا» نقل می‌کند که ترجمه‌اش چنین است:

«ای سوارکاران! بالا روید و مرکب‌ها را به حرکت آورید و قهرمانان بیرون آیند، کوش و قوط، سپر به دست و لورپونها کمان در دست. پس این روز برای آقای فرمانده لشکریان است، روز انتقام گرفتن از دشمنان است. پس شمشیر را می‌خورد و سیر می‌شود... چون برای آقای فرمانده لشکریان یک قربانی در سرزمین شمال، نزدیک فرات می‌باشد.»^۱

در اخبار «سفر رؤیا» به زنی اشاره می‌کنند که از او دوازده فرزند به دنیا می‌آید و سپس به زن

۱. از کتاب «الکتاب المقدس تحت المجهر» عوده مهاوش ابومحمد اُردنی، ص ۱۵۵ که از سفر ارمیا، ص ۴۶، آیات ۲ تا ۱۱ نقل شده است.

دیگری اشاره کرده، یعنی آن زن که آخرین مرد از صلب جده‌اش خواهد بود. در «سفر» آمده خطرهای فراوانی آخرین زن را احاطه می‌کند. و مشکلات و خطرهای را با رمز «التّین» بیان کرده و می‌گوید:

«و تین رو به روی آن زن می‌نشیند تا بزاید و
فرزندش را ببلعد.»^۱

یعنی این که حکومت، خواهان کشتن این کودک است. پس از ولادت کودک، «بارکلی» در تفسیر خود چنین گوید: «هنگامی که خطرها او را از هر سو در بر گرفتند، خداوند فرزندش را ربود و نگاه داشت.»^۲

جمله «و خداوند فرزندش را ربود» یعنی خداوند کودک را غایب کرد چنان که «بارکلی» گفته است. در سفر، مدت غیبت این موعود را نیز معین کرده است.

۱. سفر رؤیا، ج ۱۲، ص ۳.

۲. همان، ص ۵.

وعددهای پیامبران پیشین ۲۱

«بارکلی» سپس درباره فرزندان و نسل عمومی این زن چنین گوید: «و تنین [ازدها]، جنگی خونین با نسل آن زن به راه می‌اندازد»، چنان که در سفر آمده است:

«پس تنین به آن زن خشم گرفت، و به دنبال تدارک جنگی با دیگر فرزندان آن زن برآمد، چون آنان نگهدارنده وصیت‌های خدا هستند.»^۱

همچنین در جایی دیگر در «تورات» آمده است:

«۱۸ * و ابراهیم به خدا گفت: کاش که اسماعیل در حضور تو زیست کند... ۲۰ * و اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم

۱. سفر رؤیا، ج ۲، ص ۱۳؛ «المسیح والدجان» نوشته ایوب، ص ۳۷۹ و

از وی به وجود آورم.»

در این بیان، اشارتی به ۱۲ امام از نسل اسماعیل علیه السلام دارد که امتی عظیم از او به وجود می‌آید.

در کتاب «مزامیر داوود»، مزمور سی و هفتم آمده:

« ۱ * به سبب شیران خویش را مشوش

مساز... ۹ * زیرا که شیران منقطع خواهند

شد و اما منتظران خداوند وارث زمین

خواهند بود... ۱۱ * و اما حلیمان وارث زمین

خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ

خواهند گردید... ۱۷ * زیرا که بازوهای

شیران شکسته خواهد شد و اما صالحان را

خداوند تأیید می‌کند. ۱۸ * خداوند روزهای

کاملان را می‌داند و میراث ایشان خواهد بود

تا ابد الابد... ۳۴ * منتظر خداوند باش و

طریق او را نگاه دار تا تو را به وارث زمین

برافرازد. چون شیران منقطع شوند آن را

خواهی دید... ۳۸ * اما خطاکاران جمعاً

وعددهای پیامبران پیشین ۲۳

هلاک خواهند گردید و عاقبت، شریران
منقطع خواهند شد. ۳۹ * و نجات صالحان از
خداوند است.»

این همان بشارتی است که خداوند در قرآن
می فرماید و با تمام تحریف‌ها و تغییراتی که در تورات
راه یافته است، هنوز هم این بشارت باقی است. خداوند
می فرماید:

«و به تحقیق در زبور پس از ذکر (در کتب
پیشین) نوشتیم که همانا زمین را بندگان صالح
من به ارث خواهند برد.»^۱

کتاب «مزامیر»؛ مزمور هفتاد و دوم؛ مزمور سلیمان:
«۷ * در زمان او صالحان خواهند شکفت و
وفور سلامتی خواهد بود مادامی که ماه
نیست نگردد. ۸ * و او حکمرانی خواهد کرد
از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان.

۱. قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۹ * به حضور وی صحرانشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید... ۱۱ * جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امت‌ها او را بندگی خواهند نمود. ۱۲ * زیرا همچون مسکین و فقیر کرم خواهند فرمود و جان‌های مساکین را نجات خواهند بخشید. ۱۴ * جان‌های ایشان را از ظلم و ستم فدیّه خواهد داد و خون ایشان در نظر وی گران‌بها خواهد بود. ۱۵ * و او زنده خواهد بود. ۱۶ * دائماً برای وی دعا خواهد کرد و تمامی روز او را مبارک خواهد خواند. ۱۷ * و فراوانی غله در زمین بر قلّه‌ی کوهها خواهد بود... و اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد. ۱۸ * نام او تا ابد الابد باقی خواهد ماند. اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد، آدمیان در او

برای یکدیگر برکت خواهند خواست و
جمع امت‌های زمین او را خوشحال خواهند
خواند.»

همچنان که ملاحظه می‌شود، در این بخش اشاراتی
بسیار روشن بر وجود آن مصلح جهان‌گشا دارد که ما در
اینجا بیان نمودیم.

- در کتاب «اشعیا نبی» باب یازدهم آمده:

«۳* ... و موافق رؤیت چشم خود داوری
نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خویش
تنبیه نخواهد نمود. ۴* بلکه مسکینان را به
عدالت داوری خواهد کرد و به جهت
مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و
جهان را به عصای دهان خویش زده شریران
را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت. ۵* و
کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند
میانش امانت. ۶* و گرگ با بره سکونت
خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد

خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم
 و طفل کوچک آنها را خواهد راند. * ۷
 و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های
 آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو،
 گاه خواهد خورد. * ۸ و طفل شیرخواره
 بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل
 از شیر بازداشته شده دست خود را بر
 خانه افعی خواهد گذاشت. * ۹ و در
 تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد
 نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت
 خداوند پر خواهد بود. مثل آب‌هایی که دریا
 را می‌پوشاند.»

چنان که ملاحظه می‌شود بشاراتی است امیدبخش از
 آینده‌ای روشن و امنیتی فراگیر که طبیعت پرخاشگر با
 انسان هم‌آواز می‌شود و انسان‌های بی‌آیین جملگی
 خداشناس خواهند شد و در زمین از بت‌پرستی و
 بی‌آیینی نشانی نخواهد ماند.

کتاب «دانیال نبی» باب دوازدهم می‌گوید:

«۳ * و بسیاری از آنان که در خاک زمین

خوابیده‌اند بیدار خواهند شد. اینان به جهت

جاودانی و آنان به جهت خجالت جاودانی.

حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند

درخشید و آنانی که بسیاری را به عدالت

رهبری می‌نمایند، مانند ستارگان خواهند بود

تا ابد الابد. ۴ * اما ای دانیال! کلام را مخفی

دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن بسیاری به

سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده

خواهد گردید.»

در اینجا اشارتی است بر موضوع رجعت که برخی

از مؤمنان و برخی از شروران زشت سیرت، پس

از ظهور امام زمان ع به دنیا باز می‌گردند و در یک

نتیجه کارهای نیکو و زشت خود را می‌بینند. و

این بشارت ربطی به قیامت ندارد، چرا که می‌گوید:

«بسیاری از آنان که در خاک زمین...»؛ در

قیامت همه آنان که در خاک زمین خفته‌اند
برانگیخته می‌شوند، اما در رجعت گروهی برانگیخته
می‌گردند.

آنچه تا اینجا نقل شد بشارات عهد عتیق (تورات و
دیگر کتب قبل از انجیل) بود.

آیین مسیحیت

اما بشاراتی که در انجیل آمده عبارتند از:

= در «انجیل متی» باب ۲۴ آمده:

«۳۴ * هر آینه به شما می‌گویم تا این همه
واقع نشود این طایفه نخواهد گذشت. * ۳۵ *
آسمان و زمین زایل خواهد شد لیکن سخن
من هرگز زایل نخواهد شد. * ۳۶ * اما از آن
روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی
ملائکه آسمان جز پدر من و بس... * ۴۳ *
لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه
می‌دانست در چه پاس از شب دزد می‌آید،

بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش
نقب زند. ۴۴ * لهذا شما نیز حاضر باشید
زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان
می آید. ۴۵ * پس آن غلام امین و دانا کیست
که آقايش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا
ایشان را در وقت معین خوراک دهد. ۴۶ *
خوشا به حال آن غلامی که چون آقايش آید
او را در چنین کار مشغول یابد. ۴۷ * هر آینه
به شما می گویم که او را بر تمام مایملک
خود خواهد گماشت. ۴۸ * لیکن هرگاه آن
غلام شریر با خود گوید که آقای من در
آمدن تأخیر می نماید. ۴۹ * و شروع کند
به زدن هم قطاران خود و خوردن و نوشیدن
و میگساران. ۵۰ * هر آینه آقای آن
غلام آید در روزی که منتظر نباشد و
در ساعتی که نداند. ۵۱ * و او را دو پاره
کرده نصیبش را با ریاکاران قرار دهد در

مکانی که گریه و فشار دندان خواهد بود.»
 این فراز بسیار روشن و دور از ابهام، اشارتی به آن
 موعود جهانی دارد که عیسی علیه السلام در رکاب او از آسمان
 فرود آید. و همان‌گونه که در بشارات اسلامی داریم
 زمان ظهور نامعلوم است و هیچ‌کس جز خدای متعال
 زمان آن را نمی‌داند و هنگامه‌ی برپایی آن ناگهانی است
 و چون حضرتش بیاید بر سراسر گیتی و جهان هستی
 حکومت می‌راند. چنان که در فراز فوق بدان اشاره دارد
 که: «او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت» و این
 بشارت ظهور موعود ابداً تغییرپذیر نیست و حتماً واقع
 می‌شود.

در «انجیل مرقس» باب ۱۳ آمده:

« ۳۰ * هر آینه به شما می‌گویم تا جمیع
 این حوادث واقع نشود این فرقه نخواهند
 گذشت. ۳۱ * آسمان و زمین زایل می‌شود.
 لیکن کلمات من هرگز زایل نشود. ۳۲ * ولی
 از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ‌کس

وعددهای پیامبران پیشین ۳۱

اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه
پسر هم. * ۳۳ * پس بر حذر و بیدار شده
دعا کنید زیرا نمی دانید که آن وقت کی
می شود. * ۳۴ * مثل کسی که عازم سفر شده
خانه خود را واگذارد و خادمان خود را
قدرت داده هر یکی را به شغلی خاص مقرر
نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند.
* ۳۵ * پس بیدار باشید. زیرا نمی دانید که
در چه وقت صاحب خانه می آید در شام یا
نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. * ۳۶ *
مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. * ۳۷ * اما
آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار
باشید.»

این بشارت به سان مطالب پیشین اشارتی بر ظهور
موعود دارد. تنها در اینجا چند فراز اضافه دارد: یکی امر
بر دعای فرج است که حضرت عیسی علیه السلام همه را فرمان به
دعا برای فرج حضرتش می دهند، دوم زمان ظهور است

که حتی حضرت عیسی علیه السلام هم آن را نمی دانند. در روایات اسلامی وارد شده که زمان ظهور را جز خدای متعال کسی نمی داند و امر ظهور در یک شب اصلاح می شود.

- در «انجیل لوقا»، باب ۱۲ آمده:

«۳۵ * کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را فروخته بدارید. ۳۶ * و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند. ۳۷ * خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد. هر آینه به شما می گویم که کمر خود را بسته ایشان را خواهد نشانید و پیش آمده ایشان را خدمت خواهد کرد. ۳۸ * و اگر در پاس دوم یا سیم از شب بیاید و ایشان را چنین یابد خوشا به حال آن غلامان. ۳۹ * امّا

این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست که دزد در چه ساعت می‌آید بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زنند. * ۴۰ * پس شما مستعد باشید. زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید. * ۴۱ * پطرس به وی گفت ای خداوند آیا این مثل را برای ما زدی یا به جهت همه. * ۴۲ * خداوند گفت پس کیست آن ناظر امین و دانا که مولای او وی را بر سایر خدام خود گماشته باشد تا آذوقه را در وقتش به ایشان تقسیم کند. * ۴۳ * خوشا به حال آن غلام که آقایش چون آید او را در چنین کار مشغول یابد. * ۴۴ * هر آینه به شما می‌گویم که او را بر همه مایملک خود خواهد گماشت. * ۴۵ * لیکن اگر آن غلام در خاطر خود گوید آمدن آقایم به طول می‌انجامد و به زدن غلامان

و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و میگساریدن شروع کند. ۴۶ * هر آینه مولای آن غلام آید در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتی که او نداند و او را دو پاره کرده و نصیبش را با خیانتکاران قرار دهد. ۴۷ * اما آن غلامی که اراده‌ی مولای خویش را دانست و خود را مهیا نساخت تا به اراده‌ی او عمل نماید تازیانه بسیار خواهد خورد. ۴۸ * اما آن که نادانسته کارهای شایسته‌ای ضرب کند، تازیانه کم خواهد خورد و به هرکسی که عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادت‌تر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادت‌تر خواهند کرد.»

اینجا نیز بسان فرزه‌های پیشین بشاراتی بر حضرتش دارد و مطلب افزون در اینجا دو گونه بودن کارگزاران حضرتش می‌باشد. برخی از دوران غیبت ایشان سوء استفاده کرده و به جان و مال دیگران

می‌تازند و با این گمان که شاید حضرتش به زودی نیاید به کارهای ناشایست دست می‌یازند که در بشارات اسلامی رسیده است. حضرتش چون ظاهر شود هزار فقیه را در مسجد مدینه که جملگی با وی مخالفت می‌کنند، نابود می‌نماید. و گروهی به پاسداری از مرزهای دین می‌پردازند و خود را مهیا برای دوران قیام سرور بخش آن حضرت می‌کنند. آنها در ایام غیبت به اهداف و آرمان‌های حضرتش جامه‌ی عمل می‌پوشانند و در این راه مرتکب کوچکترین کوتاهی و خطا نمی‌شوند چرا که «به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد.»

- در «انجیل لوقا» باب ۲۱ گوید:

«۲۲ * زیرا که همان است ایام انتقام تا

آنچه مکتوب است تمام شود. ۲۳ * لیکن

وای بر آبستان و شیردهندگان در آن

ایام زیرا تنگی سخت بر روی زمین و غضب
 بر این قوم حادث خواهد شد. ۲۴ * و به
 دم شمشیر خواهند افتاد و در میان جمیع
 امتهای به اسیری خواهند رفت و اورشلیم
 پایمال امتهای خواهد شد تا زمانهای امتهای
 به انجام رسد. ۲۵ * و در آفتاب و ماه و
 ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین
 تنگی و حیرت از برای امتهای روی خواهد
 نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش.
 ۲۶ * و دلهای مردم ضعف خواهد کرد
 از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع
 مسکون ظاهر می شود. زیرا قوآت آسمان
 متزلزل خواهد شد. ۲۷ * و آن گاه پسر
 انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده
 با قوت و جلال عظیم می آید. ۲۸ * و چون
 ابتدای این چیزها بشود راست شده و
 سرهای خود را بلند کنید از آن جهت

که خلاصی شما نزدیک است. * ۲۹ * و
برای ایشان مثلی گفت که درخت انجیر
و سایر درختان را ملاحظه نمایید. * ۳۰ *
که چون می بینید شکوفه می کند خود می دانید
که تابستان نزدیک است. * ۳۱ * و همچنین
شما نیز چون ببینید که این امور واقع
می شود، بدانید که ملکوت خدا نزدیک شده
است. * ۳۲ * هر آینه به شما می گویم تا
جمع این امور واقع نشود، این فرقه
نخواهند گذشت. * ۳۳ * آسمان و زمین
زایل می شود لیکن سخنان من زایل نخواهد
شد. * ۳۴ * پس خود را حفظ کنید مبادا
دل‌های شما از پرخوری و مستی و اندیشه‌های
دنیوی سنگین گردد و آن روز ناگهان بر
شما آید. * ۳۵ * زیرا که مثل دومی بر
جمع سکنه تمام روی زمین خواهد آمد.
* ۳۶ * پس در هر وقت دعا کرده بیدار

باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع
این چیزهایی که به وقوع خواهد
پیوست نجات یابید و در حضور پسر انسان
بایستید.»

در این فراز حضرت عیسی علیه السلام ضمن گزارش از
فتنه‌ها و آشوب‌های قبل از ظهور، شکوفه‌های امید
را در دل امت خویش زنده می‌دارد و وعده می‌کند
در آن روز رهایی، او نیز به زمین نزول می‌کند.
با امر بر دعای فرج راه نجات از فتنه‌ها را همین
دعای فرج می‌شمرد، چنان که در فراز آخر اشاره
می‌کند:

«پس در هر وقت دعا کرده و بیدار باشید تا
شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که
به وقوع خواهد پیوست، نجات یابید.» در
اسلام نیز به ما دستور می‌دهند: «برای فرج و
گشایش، زیاد دعا کنید که همین دعا کردن‌ها
موجبات آسایش و گشایش را برای شما

فراهم می‌آورد.^۱

آیین زرتشت

در آسمانی بودن آیین زرتشت اختلاف وجود دارد، ولی گروهی از محققین اسلامی آن آیین را در زمرهٔ ادیان آسمانی برشمرده‌اند.^۲ در آن آیین نیز موضوع منجی جهان طرح شده است و افراد زرتشتی را به آمدن او بشارت داده‌اند. ما به یک مورد اشاره می‌کنیم:

در آیین زرتشت «سوشیانت» به عنوان منجی جهان یاد شده است. کلمه‌ی سوشیانت که در کتاب «اوستا» از

۱. «بحارالانوار»، ج ۹۲/۵۲ به نقل از «اصول کافی»، در توقیع صادره از ناحیه مقدسه برای اسحاق بن یعقوب.

۲. ولی حتی اگر آن آیین آسمانی هم باشد، مسلماً کتاب «اوستا» دستخوش تحریف قرار گرفته است و امروزه این کتاب را نمی‌توان در زمره‌ی کتابهای آسمانی دعوتگر به یکتاپرستی دانست و برخی محققین بیان می‌کنند که این آیین از دستبرد فلسفه میترائی که در آن روزگار رواج داشته در امان نمانده است و حقایق توحیدی آن آیین توسط فلسفه میترائی که در ایران زمین وجود داشته است دستخوش تحریف شده است.

او یاد شده است به معنای «سود رساننده» و «سودبخش» است. سوشیانت‌ها یاوران و نگاهبانان آیین مزدیسنا هستند که هدفشان رستگاری و نجات مردم از جهل و نادانی و ظلم و ستم است و سوشیانت بزرگ به عنوان منجی کل جهان می‌باشد. زرتشتیان معتقد هستند که هر هزار سال یک نفر به عنوان منجی یا نجات‌دهنده ظهور می‌کند و مردم را از ظلم رها می‌سازد. در متون زرتشتی آمده که «کی ای مزدا! سپیده‌دم درآید و جنبش بشر به سوی راستی روی کند. نجات‌دهنده (سوشیانت) بزرگ با گفتار پر از حکمت خویش به مراد رسد. کدامند کسانی که «وهومن» به یاری آنان آید!»

با توجه به همگونی اعتقاد ملت‌های مختلف به اصل ظهور حضرت مهدی (عج) می‌توان گفت اصولاً اندیشه ظهور یک نجات‌بخش، تعارضی با فطرت، آرزوها و پیش‌بینی‌های انسان ندارد، چون با اندکی دقت می‌یابید که در ورای این جهان، مدیری حکیم است که انسان می‌تواند با استمداد از او برای سکوت در

برابر انحرافها، ستمها و طغیانها کسب قدرت کند، تا
طعمهٔ یأس و نومیدی نشود، بلکه چنگ به رشته‌های
امید و آرزو می‌زند تا عدالت در جهان گسترش یافته و
فراگیر شود.

در کتاب «گاتها» که بخشی دیگر از اوستای زرتشت
است، پیرامون مصلح جهانی آمده است:

«و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا
رسید، پس آنگاه‌ای مرزا کشور تو را بهمن
(نماینده خدا) برپا کند از برای کسانی که
دروغ را به دست‌های راستی سپردند و
خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه
کنند. آری آنگاه به کامیابی جهان، دروغ را
شکست از پی رسد.»^۱

اعتقاد به منجی علاوه بر ادیانی که ذکر شد، در میان
تمام اقوام بشر وجود دارد به عنوان نمونه در کتاب «دید»

که نزد هندیان از کتب آسمانی است چنین آمده است:
 «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان
 پیدا می شود که پیشوای خلاق باشد و نام او
 منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین
 خود آورد و همه کس را از مؤمن و کافر
 بشناسد و هرچه از خدا خواهد، برآید.»
 در کتاب «پاتیکل» نیز که از کتاب های معتبر هندیان
 است، بر این مطلب تصریح شده است:

«چون مدت روز تمام شد، دنیای کهنه نو
 شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا
 شود که از فرزندان دو پیشوای جهان؛ یکی
 ناموس آخرالزمان (پیامبر اسلام) و دیگری
 صدیق اکبر، و حتی بزرگتر وی که «پشن» نام
 دارد و نام صاحب ملک تازه راهنما^۱ است به
 حق پادشاه شود و خلیفه رام (خدا) باشد و

۱. منظور از منصور و راهنما، حضرت مهدی (عج) است و پشن نام هندی
 حضرت علی (ع) است.

حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.^۱ از نمونه‌هایی که ذکر شد - که در مکاتب و عقاید بیشتر مردم دنیا هم یافت می‌شود - این حقیقت به دست می‌آید که جوامع گوناگون بشری بر این عقیده، اتفاق نظر دارند که جهان در نهایت به دست مصلحی قدرتمند و دانا اداره خواهد شد و در آن زمان، فساد و تباهی از جامعه بشری زدوده می‌شود و کثری و ناهنجاری جای خود را به راستی، صفا و صمیمیت و انسانیت خواهد داد و همه اقوام و ملل بدون هرگونه ترس و نگرانی و اضطراب، به زندگی خویش ادامه خواهند داد.

انتظار در ادیان دیگر

مسأله‌ی انتظار کم و بیش در همه ادیان و مکاتب وجود دارد و انسان‌ها نوعاً در انتظار جامعه‌ای ایده‌آل و مدینه فاضله‌ی انسانیت به سر می‌برند و چشم به راه مصلحی هستند که بساط ظلم و فساد و نابسامانی‌ها را

۱. ادیان و مهدویت.

برچیند و عدالت و اخلاق و انسانیت را جایگزین آن کند.

گفتنی است که همه فرقه‌های اسلامی با تعلیم گرفتن از احادیث رسول خدا ﷺ مهدویت را باور دارند و در انتظار ظهور آن حضرت‌اند. پیروان ادیان دیگر از جمله مسیحیان و یهود نیز در انتظار مصلح جهانی به سر می‌برند. در بیان ویژگی‌های مصلح جهان، در کتاب‌های ادیان دیگر، اختلافاتی وجود دارد ولی آنچه در کتاب‌های تورات و انجیل یافت می‌شود بیشتر با خصوصیات حضرت مهدی (عج) سازگار است تا شخصی دیگر. از جمله در «مزامیر» داود، مزمور ۷۲ آمده است:

«ای خدا انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر پادشاه و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف. آنگاه کوه‌ها برای قوم، سلامتی را بار خواهند آورد و تل‌ها نیز در

وعده‌های پیامبران پیشین ۴۵

عدالت. مساکین قوم خود را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و ظالمانی را زبون خواهد ساخت. از تو خواهند ترسید مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات. او مثل باران بر علفزار چیده شده فرود خواهد آمد و مثل بارش‌هایی که زمین را سیراب می‌کند، در زمان او صالحان خواهند شکفت... و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان... جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امتهای او را بندگی خواهند نمود.»^۱

- در «جاماسب‌نامه» زرتشتیان آمده است:

«... مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ‌سر و بزرگ‌تن و بزرگ‌ساق

۱. کتاب مقدس، ص ۸۸۴. (منظور از پادشاه حضرت محمد ﷺ و منظور از

پسر پادشاه حضرت مهدی (عج) است.)

و بر دین جدّ خویش بُود با سپاه بسیار و روی به

ایران نهاد و آبادانی کند و زمین پردازد کند...»

و بالاخره خداوند در سوره‌ی انبیاء (آیات ۱۰۶ -

۱۰۵) درباره‌ی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

چنین می‌فرماید:

«و در حقیقت، در زیور پس از تورات

نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی من به

ارث خواهند برد. به راستی در این [امور]

برای مردم عبادت‌پیشه ابلاغی [حقیقی]

است.»

فصل دوم

یهودیان و نقش آنان در دوران ظهور

اگر پیروان نقش یهودیان در آخرالزمان و عصر ظهور حضرت مهدی (عج)، جز آیه‌های نخستین سوره اسراء چیزی در اختیار ما نبود، همان کافی بود، زیرا این آیات در عین خلاصه بودن، وحی الهی بوده و به گونه‌ای رسا و گویا، شمه‌ای از تاریخ و سرگذشت آنها را بیان کرده و به نحو معجزه‌آسا

و بادقت، آینده آنها را روشن می‌سازد. علاوه بر این آیه‌ها و آیات دیگر، تعدادی روایات وجود دارد که پیرامون وضع یهودیان در عصر ظهور و انقلاب حضرت مهدی (عج) می‌باشد.

وعده الهی نسبت به نابودی یهودیان

در آیات نخستین سوره الاسراء آمده است:

- «منزه و پاک است آنکه یک شب، بنده‌اش را به سفر شبانه برد از مسجدالحرام به مسجداقصی که مبارک گردانیم • پیرامونش را تا از نشانه‌های خود به او نشان دهیم به درستی که او شنوا و بیناست. و به موسی تورات را داده و او را هدایت‌گر فرزندان یعقوب گردانیدیم، که غیر از من سرپرستی را نپذیرند. ای فرزندان کسانی که با نوح حمل نمودیم! او بنده‌ای

وعدۀ الهی نسبت به نابودی یهودیان ۵۱

شکرگزار بود.»

«ما در تورات حکم در انقراض بنی اسرائیل نمودیم زیرا شما (بنی اسرائیل) در زمین دوبار فساد نمودید و بر دیگران فخر و بزرگی بسیار خواهید نمود.»

یعنی ما در توراتی که بر آنان فرو فرستادیم حکم قطعی به انقراض آنها کردیم. شما به زودی از راه راست منحرف شده و دوباره در جامعه تبهکاری می‌کنید، چه اینکه به زودی بر دیگران فخر و برتری جویی بسیار می‌نمایید.

«وقتی که هنگام کیفر اولین فساد فرا رسد بندگان را از ناحیه خود که توانمند و ستبر می‌باشند جهت سرکوبی شما فرستادیم، در میان خانه‌ها به جستجوی خانه به خانه پرداختند و این وعده‌ای قطعی بود.»

«آنگاه پیروزی را برای شما بر کسانی که

آنها را علیه شما برانگیختیم برگردانیدیم
و به شما ثروتها و فرزندان را عطا
کردیم و شما را از یاوران بیشتری
برخوردار نمودیم که به کمک شما علیه آنان
بستیزند.»

«اگر خوبی کردید، خوبی به خود نموده‌اید و
اگر بدی کردید به خود بدی نموده‌اید و
هنگامی که وعده بار دوم بیاید چهره‌های
شما را ناخوش دارند و وارد مسجد اقصی
گردند، همانگونه که نخستین بار داخل شدند
و آنچه را که برتر آمده نابود کنند نابود
کردنی.»

«شاید پروردگار شما بر شما رحم نموده و
اگر باز گردید باز گردیم و ما دوزخ را
تنگنایی برای کافران قرار دادیم.»

تاریخ یهودیان تطبیق این وعده خدا را بر آنها
گواهی می‌دهد ولی در عصر حاضر که یک و یا

وعدۀ الهی نسبت به نابودی یهودیان ۵۳

حداقل نیم قرن بر آنها سپری گشته، کسی که آنان را مجازات و کیفر دهد بر آنان مسلط نشده، بلکه آنان بیش از نیم قرن است - یعنی از سال ۱۹۳۶م. - که بدترین شکنجه‌ها را در فلسطین و دیگر مناطق به مسلمانان روا می‌دارند! این قضیه را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

پاسخ این است که: این دوره از تاریخ زندگی یهودیان جدا به حساب می‌آید، زیرا این همان دوره‌ی بازگشت قدرت آنهاست که خداوند در سوره‌ی اسراء به آنان وعده فرموده است؛ «سپس پیروزی شما را بر کسانی که آنان را علیه شما برانگیختیم برگردانده و به شما اموال و فرزندان را عطا کرده، و شما را از یارانی بیش از تعداد آنان برخوردار نمودیم تا با همکاری شما بر ضد آنها بستیزند.» بنابراین، این دوره خارج از وعده کلی تسلط بر آنهاست تا اینکه وقت کیفر و مجازات دوم به دست مسلمانان فرا رسد.

وعده خداوند در فرونشاندن آتش جنگ یهودیان

خدای متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

«یهودیان گفتند دست خدا بسته است، دست آنان بسته‌باد، و به سبب این گفته از رحمت خدای دور شدند، بلکه دستهای خدا گشوده است و هرگونه بخواهد انفاق می‌کند. این آیات که از ناحیه پروردگار بر تو فرود آمده، بر سرکشی و کفر آنان می‌افزاید و میان آنان تا روز رستخیز، کینه و دشمنی انداختیم، و هر وقت آتشی را برافروختند، خداوند آن را خاموش گردانید، آنان سعی در ایجاد فساد در زمین دارند و خداوند فسادکنندگان را دوست نمی‌دارد.»^۱

این وعده‌ی خداست، به فرونشاندن آتش

وعدۀ خداوند در فرونشاندن آتش جنگ یهودیان ۵۵

جنگ‌هایی که یهودیان برمی‌افروزند، خواه مستقیماً خود آنان خوی جنگ‌افروزی داشته، و یا اینکه دیگران را به این عمل تحریک کنند. این وعدۀ الهی بدون استثناء خواهد بود، زیرا با لفظ «کلما اوقدوا» یعنی «هر وقت آتش افروزی نمایند» آمده است.

تاریخ گذشته و حال گواهی می‌دهد که آنها همواره در پی آتش‌افروزی در بسیاری از آشوب‌ها و جنگ‌ها بوده‌اند، اما خداوند متعال وعدۀ خود را نسبت به مسلمانان و بشریت با عنایت خویش تحقق بخشیده، مکر و حیلۀ یهود را باطل و نقشه‌هایشان را خنثی کرده و آتش جنگ آنان را فرو نشانده است. شاید بزرگترین آتش جنگ و آشوبی که آنان علیه مسلمانان و جهانیان برافروخته‌اند، همین نبرد فعلی در فلسطین باشد که جهت دامن زدن به آن، شرق و غرب را تحریک نموده، و چیزی نمانده که وعدۀ خداوند با فرونشاندن این جنگ تحقق یابد. از آیه شریفه‌ی یاد شده چنین استفاده

می‌شود که دشمنی‌ها و درگیری‌های داخلی آنها، خود یکی از راههای لطف خداوند، برای فرونشاندن آتش جنگ خواهد بود.

اما برخی از روایات مرتبط با نقش یهودیان در زمان ظهور، مربوط به گرد آمدن آنها در فلسطین قبل از جنگ نابودکننده‌ی آنها است که تفسیری برای این آیه شریفه است: «و بعد از او به بنی اسرائیل گفتیم زمین را ساکن شوید و زمانی که روز قیامت فرا رسید شما را آمیخته با یکدیگر می‌آوریم.»^۱

یعنی همگی شما را از هر ناحیه‌ای گرد آوردیم، چنانکه در تفسیر نورالثقلین آمده است. از این حدیث شریف درباره آمدن آنان و کارزارشان در عکا استفاده می‌شود، از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمود:

وعدہ خداوند در فرونشاندن آتش جنگ یهودیان ۵۷

«آیا شنیده‌اید نام شهری را که بخشی از آن درون دریاست؟ عرض کردند آری، فرمود: قیامت به پانمی شود مگر آنکه هفتاد هزار تن از فرزندان اسحاق به شهر یورش می‌برند.»^۱
و از امیر مؤمنان علیه السلام است که فرمود:

«در مصر منبری را بنا نموده و دمشق را قطعاً تخریب خواهم کرد و یهودیان را از شهرهای عربی بیرون می‌رانم و با همین چوب اعراب را خواهم راند»، راوی این حدیث (عبایه اُسدی) گوید: «پرسیدم ای امیر مؤمنان، شما به گونه‌ای خبر می‌دهید که یقین پس از مردن زنده خواهید شد؟ فرمود: ای عبایه، به روشی غیر روش ما صحبت کردی. مردی از تبار من (یعنی حضرت مهدی (عج)) این کارها را انجام می‌دهد.»^۲

۱. مستدرک، ج ۴، ص ۴۷۶.

۲. بحار، ج ۵۳، ص ۶۰.

این روایت دلالت دارد که یهودیان در بسیاری از شهرهای عرب تسلط و یا حضور مؤثر دارند و ما پیرامون نبرد حضرت مهدی (عج) با یهودیان سخن خواهیم گفت.

از جمله روایات، حدیث کشف معبد است، و جمله «کشف هیکل» در شمار نشانه‌های ظهور آمده، که ظاهراً معبد حضرت سلیمان علیه السلام کشف خواهد شد. از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«ظهور آن حضرت نشانه‌ها و علاماتی دارد: نخست محاصره کوفه با کمین کردن و پرتاب سنگ، ایجاد شکاف و رخنه در زوایای کویچه‌های کوفه، تعطیل مساجد به مدت چهل شب، کشف معبد و به اهتزاز در آمدن پرچمهایی گرداگرد مسجد بزرگ (مسجد الحرام)، کشنده و کشته شده هر دو در

وعدۀ خداوند در فرونشاندن آتش جنگ یهودیان ۵۹

آتش اند.»^۱

احتمال دارد که کشف معبد از ناحیه‌ی زمینہ‌سازان ظهور حضرت مهدی (عج) اندکی قبل از ظهور وی، صورت پذیرد، زیرا روایت خاطر نشان نمی‌کند که چه کسی آن را کشف می‌نماید. همچنانکه ممکن است آن معبد، آثاری تاریخی و غیر از معبد حضرت سلیمان و یا در محل دیگری غیر از قدس باشد، چون عبارت و جمله‌ی «کشف معبد» به طور مطلق یاد شده است.

روایات مربوط به بیرون آوردن تورات اصلی از غار انطاکیه و کوهی در شام و در فلسطین و دریاچه‌ی طبریه، توسط حضرت مهدی (عج) و استدلال آن حضرت بر یهودیان، به وسیله‌ی تورات نیز از جمله‌ی همین روایات است. از پیامبر اسلام ﷺ روایت شده که فرمود:

۱. بخار، ج ۵۲، ص ۲۷۳.

«تورات و انجیل را از سرزمینی که انطاکیه
نامیده می‌شود، بیرون می‌آورد.»^۱
و نیز از آن بزرگوار نقل شده که فرمود:

«صندوق مقدس) را از غاری در انطاکیه و
بخش‌های تورات را از کوهی در شام بیرون
آورده و به وسیله‌ی آن کتاب با یهودیان به
استدلال می‌پردازد و سرانجام بسیاری از آنها
اسلام می‌آورند.»^۲

همچنین پیامبر ﷺ فرمود:

«صندوق مقدس از دریاچه‌ی طبریه به دست
وی آشکار می‌شود و آن را آورده و در
پیشگاه او در بیت‌المقدس قرار می‌دهند و
چون یهودیان آن را مشاهده می‌نمایند، به
جز اندکی بقیه ایمان می‌آورند.»^۳

۱. بخار، ج ۵۱، ص ۲۵.

۲. منتخب الأثر، ص ۳۰۹.

۳. الملاحم و الفتن، ص ۵۷.

وعدہ خداوند در فرونشاندن آتش جنگ یهودیان ۶۱

دیگر روایات مربوط به نبردهای زمیینه‌سازان
ظہور حضرت مهدی (عج) با یهود و راجع به
بیرون راندن آنان توسط آن حضرت از جزیرة العرب
است، مانند روایتی که گذشت. همچنین روایات
مربوط به نبرد بزرگ حضرت مهدی (عج) است
که طرف درگیر در این نبرد، مستقیماً سفیانی و پشتیبانان
یہودی وی و رومیان هستند و خط درگیری در
این جنگ از انطاکیہ تا عکا یعنی در طول ساحل سوریه
- لبنان - فلسطین کشیده شده و سپس به طبرستان و
دمشق و قدس ادامه می‌یابد. شکست بزرگ و وعدہ
داده شدہی آنان در آنجا تحقق می‌یابد. بہ گونه‌ای
که سنگ و درخت بانگ برمی‌آورد کہ ای مسلمانان!
این شخص کہ در پناہ من است یہودی می‌باشد، او
را ہلاک نما و این مطلب در حوادث حرکت ظہور
حضرت مهدی (عج) خواہد آمد.

اما برتری طلبی وعدہ داده شدہی یہودیان بر ملتہا
و سایر مردم، تنها یک بار است، دوبار نخواہد بود

و این حس برتری جویی همزمان با تبهکاری دوم و یا نتیجه‌ی آن است... و ما این برتری طلبی را در هیچ دوره‌ای از تاریخ یهودیان به جز بعد از جنگ جهانی دوم نمی‌بینیم.

اما این سخن خداوند که فرمود: «اگر باز گردید و توبه کنید باز می‌گردیم و ما جهنم را برای کافران زندان قرار دادیم»؛ دلالت دارد بر اینکه بسیاری از یهودیان بعد از نابودی اسرائیل در جهان باقی می‌مانند و کسانی که اسلام نمی‌آورند به دست حضرت مهدی (عج) از سرزمین‌های عربی رانده می‌شوند. بنا به گفته روایات آنها دوباره دست به تبهکاری می‌زنند و این امر هنگام حرکت دجال یک چشم خواهد بود، که حضرت مهدی (عج) و مسلمانان به زندگی آنان خاتمه می‌دهند. خداوند دوزخ را برای کسانی از آنها که کشته می‌شوند زندان قرار می‌دهد و مسلمانان، با بازداشت و زندانی نمودن باقیمانده‌ی آنان، از

رومیان و نقش آنان در زمان ظهور ۶۳

حرکت و تبهکاری آنها جلوگیری می‌کنند.

رومیان و نقش آنان در زمان ظهور

منظور از روم در روایات مربوط به آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج) ملل اروپائی و در قرنهای اخیر، گسترش آنان در آمریکا می‌باشد، که فرزندان روم و وارثان امپراطوری تاریخی رومیان هستند.

نام روم در بسیاری از روایات زمان ظهور آمده از جمله روایات مربوط به فتنه و آشوب و تسلط آنان بر مسلمانان که قبلاً گذشت. روایات دیگری درباره‌ی حرکت ناوگان‌های جنگی آنها به سواحل سرزمین‌های عربی، اندکی پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) وجود دارد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«وقتی که در سرزمین شام بلوایی را مشاهده

نمودی، پس مرگ است و مردن، تا آنکه
غربیان به تحرک آمده و روانه‌ی سرزمینهای
عربی گردند که حوادثی بین آنان رخ خواهد
داد.^۱

فتنه و آشوب شام در روایات مربوط به زمان
ظهور مرحله‌ی کشمکش‌هایی است که در سرزمین
شام بعد از آشوب و استیلای اجانب بر امت
اسلامی واقع می‌شود. به این معنی که «بنی‌اصفر»
(غریبها) خود را ناگزیر از دخالت مستقیم
نظامی می‌بینند، بعد از آن به واسطه پایداری مردم
آن سامان و امواج سیاسی موجود و درگیر آن، از
تسلط بر منطقه پیرامون فلسطین ناتوان گشته و
دخالت نظامی آنها در آینده با مقاومت مسلمانان
کشورهای عربی مواجه خواهد شد. از امیر مؤمنان علیه السلام
روایت شده که فرمود:

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۷.

رومیان و نقش آنان در زمان ظهور ۶۵

«در ماه رمضان به هنگام صبح از ناحیه مشرق ندا دهند: ای اهل ایمان گرد هم آیید و از ناحیه مغرب پس از ناپدید شدن شفق، ندا کنند: ای اهل باطل گرد هم جمع شوید. و رومیان به ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف روی آورده و خداوند آن جوانان را با سنگ شان از غارشان برمی انگیزد، در بین آنان دو مرد بنام ملیخا و خملاها بوده که این دو تسلیم اوامر حضرت قائم (عج) خواهند بود.»^۱

از برخی روایات چنین استفاده می شود که نیروهای غربی آهنگ سرزمین شام کرده و در عگا و صور، و طبق این روایت نزدیک غار اصحاب

۱. بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

کهف، یعنی در انطاکیه از ناحیه ساحل سوریه - ترکیه فرود می آیند. درباره جوانان اصحاب کهف روایاتی وارد شده که خداوند متعال آنان را در آخرالزمان ظاهر می نماید تا برای مردم علامت و نشانه ای بوده، و از یاران حضرت مهدی (عج) باشند و ما آن را در بحث پیرامون یاران آن حضرت یاد خواهیم کرد.

فلسفه ظاهر شدن آنان به هنگام فرود آمدن نیروهای غربی در آن برهه حساس، این است که معجزه ای خصوصاً برای مسیحیان باشد، زیرا طبق نقل روایات یاران حضرت مهدی (عج) نسخه های اصلی تورات و انجیل را از غار انطاکیه بیرون آورده و به وسیله آن با رومی ها و یهودیان به بحث و گفتگو می پردازند؛ احتمال دارد این غار، همان غار معروف اصحاب کهف و یا غار دیگری باشد.

آنچه در این زمینه قابل توجه است، مطالبی است که از اهل بیت علیهم السلام، در تفسیر آیات اول سوره ی مبارکه ی

روم وارد شده است.

«سوگند به این حروف (الف، لام، میم) رومیان غالب گردیدند، در نزدیک‌ترین سرزمین و اینان بعد از مغلوب شدن به زودی غالب می‌گردند، در اندک سالی، امر از آن خداوند است از پیش و آینده، و آنروز ایمان آورندگان به یاری خدا چنین شاد می‌گردند هم اوست که هر کسی را که خواهد یاری فرماید، و اوست غالب و مهربان»^۱

از جمله روایات دیگر در این زمینه، روایات مربوط به فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام و دعوت نمودن مسیحیان به اسلام و پیروی از حضرت مهدی (عج) از جانب او است که این فرموده خداوند را روشن می‌سازد:

۱. روم، ۱-۵.

«حضرت عیسیٰ علیه السلام نشانه‌ای است از علامت‌های قیامت^۱»، «همه اهل کتاب قبل از مردنش به او ایمان می‌آورند، و او در روز رستاخیز گواه بر آنهاست»^۲.

آن بزرگوار یکی از علائم رستاخیز بوده و هنگامی که خداوند او را به دنیا فرود آورد، تمام نصاری و یهود به او ایمان آورده و خود و معجزه‌هایش را قبل از آنکه از دنیا رحلت کند، می‌بینند. در روایت آمده است که عیسی علیه السلام به وسیله حضرت مهدی (عج) و معجزاتی که خداوند در اختیار او نهاده با رومیان بحث و مناظره می‌کند.^۳

آن حضرت پس از معجزه فرود آمدنش از آسمان، در دگرگونی اوضاع سیاسی و شورانیدن ملت‌های غربی بر ضد فرمانروایان‌شان، نقش مهم و

۱. زخرف، ۶۱.

۲. نساء، ۱۵۹.

۳. بخار، ج ۵۲، ص ۲۲۶.

اساسی خواهد داشت. از جمله روایات مورد بحث، احادیث مربوط به آتش بس میان مسلمانان و رومیان می باشد که حضرت، قرارداد عدم تجاوز را با آنان امضاء خواهد نمود. ظاهراً این پیمان بعد از نبرد بزرگ قدس است که در مثلث عکا - قدس - انطاکیه بین سپاه آن حضرت و لشکریان سفیانی با پشتیبانی یهود و رومیان رخ می دهد و بعد از پیروزی حضرت مهدی (عج) و ورودش به قدس و فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام خواهد بود.

به نظر می رسد که حضرت مسیح علیه السلام در این درگیری و نبرد نقش وساطت و میانجی گری را بر عهده خواهد داشت، که درباره ی آن سخن خواهیم گفت. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«ای عوف! پیش از رساخیزشش حادثه را متذکر باش... از جمله فتنه و آشوبی را که خانه ای از عرب خالی از آن فتنه نخواهد بود، میان شما و بنی اصف (غریبها) صلحی

برقرار می‌گردد، سپس با شما پیمان شکنی
نموده، و با هشتاد لشکر که هر یک متشکل
از ۱۲ هزار سرباز می‌باشد به شما حمله‌ور
می‌شوند.»^۱

همچنین از آن حضرت روایت شده که فرمود:

«بین شما و رومیان چهار پیمان صلح
بسته می‌شود، که چهارمین آنها به
دست مردی از خاندان هرقل است که چند
سال (دو سال) دوام خواهد یافت، در این
هنگام مردی از عبدالقیس به نام سوّدد بن
غیلان پرسید: در آن روز پیشوای مردم
کیست؟ حضرت فرمود: مهدی از
فرزندانم.»^۲

در برخی از روایات مدت پیمان نامه صلح هفت

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۳۵، از عقد الدرر سلمی و به گفته او بخاری آن را

در صحیح خود از روایت عوف بن مالک، آورده است.

۲. بخار، ج ۵۱، ص ۸۰، دوازدهمین روایت از اربعین حافظ ابی نعیم.

سال ذکر شده، اما غربی‌ها تنها پس از دو سال عهد شکنی نموده و پیمان خود را با مسلمانان بر هم می‌زنند. سپس با سپاهی متشکل از قریب به یک میلیون سرباز با حمل ۸۰ پرچم در ساحل فلسطین و سرزمین شام، با مسلمانان درگیر می‌شوند. در پی آن، حضرت مهدی (عج) رهسپار فتح و آزادی اروپا و جهان غیر اسلام می‌گردد.

دیگر روایات، ارتباط سفیانی با رومیان و فرار هواداران وی پس از شکست او به طرف کشور روم و تعقیب آنان توسط یاران حضرت مهدی (عج) و باز گرداندن آنها را بیان می‌کند. روایات دیگر نشانگر این است که سفیانی دارای فرهنگی غربی بوده، در کشور روم به سر می‌برد و سپس راهی منطقه‌ی شام می‌گردد و حرکت خود را از آنجا آغاز می‌کند، چنانکه به بیان آن خواهیم پرداخت. در کتاب غیبت طوسی (ره) آمده است که:

«سفیانی که سر کرده قوم است از کشور روم

به حرکت در آمده در حالی که چون مسیحیان صلیب به گردن دارد.^۱

از جمله روایات، احادیث آزادی سرزمین روم توسط حضرت مهدی (عج) و اسلام آوردن رومیان به دست آن حضرت است، البته احتمال دارد این امر به دنبال شکستن پیمان صلح و حمله نظامی آنان به ساحل فلسطین و سرزمین شام و شکست خوردن آنها باشد. چنانکه ممکن است این درگیری سخت‌ترین نبردهای روم با حضرت مهدی (عج) باشد که در پی آن گرایشی در بین ملت‌های آنان نسبت به اسلام پیدا می‌شود.

در برخی از روایات آمده است که:

«با تکبیر هفتاد هزار تن از مسلمانان، روم را

فتح می‌نمایند.»^۲

بعید نیست که سقوط این پایتخت غربی با

۱. غیبت طوسی، ص ۲۷۸.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

رومیان و نقش آنان در زمان ظهور ۷۳

تظاهرات غربی‌ها و تکبیر آنان، در حالی که حضرت مهدی (عج) و یارانش آنان را همراهی می‌کنند، انجام شود.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«آن گاه اهل روم به دست حضرت مهدی (عج) اسلام آورده و حضرت برای آنان مسجدی را بنا می‌کند سپس با جانشین قرار دادن یکی از یارانش در آنجا، خود باز می‌گردد.»^۱

ظاهراً حضرت مسیح علیه السلام در دگرگونی ملت‌های غرب نقش اساسی داشته و این امر در خلال دو سه سالی است که بین امام علیه السلام و غربیان پیمان صلح برقرار است. احتمالاً حضرت عیسی علیه السلام در این برهه، در غرب به سر برده و یا بیشتر حضور او در غرب خواهد بود.

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۵۱.

قیام امام زمان از دیدگاه زرتشتیان

لشگر اهریمنان با ایزدان دائم از روی خاکدان، محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد. اما نه به طوریکه بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند، چه در هنگام تنگی از جانب اهورا مزدا که خدای آسمان است با ایزدان که فرزندان اویند یاری می‌رساند و محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد. آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازد و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهد نشست.^۱

فصل سوم

قرن‌ها و هزاره‌ها

در آغاز قرن و هزاره‌ای که گذرانندیم غریب و شادی و نشاط از میلیاردها نفر از پیروان حضرت عیسی مسیح علیه السلام به آسمان برخاست. علاوه بر مسیحیان، ملل مختلف نیز بنا بر سنن و آئینشان خود را برای ورود به قرن جدید آماده نمودند.

هزاره گرائی آئینی است که در بین مسیحیان بیش از ادیان و جوامع دیگر، تجلی یافته است.

مسلمانان نیز در عصرهایی از این امر مستثنی نبوده‌اند و بعضاً در خصوص هزاره‌گرایی صحبت به میان آورده‌اند. این امر در ادبیات و اشعار شاعران بزرگ ایرانی نیز به چشم می‌خورد، آنجا که بابا طاهر عریان در یک دوبیتی بدین مضمون می‌گوید:

مو آن بحرم که در ظرف آمدستم

چو نقطه بر سر حرف آمدستم

به هر الفی الف قدی بر آیه

الف قدم که در الف آمدستم

آنچه هست آن است که باباطاهر در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی برابر با ۳۹۱ قمری به دنیا آمده است.

یا حکیم خاقانی شروانی گفته است:

گویند که هر هزار سال از عالم

آید به وجود اهل وفایی محرم

آمد زین پیش و مانزاده ز عدم

آید پس از این و ما فرو رفته به غم

بشر در ابتدای هر قرن و هر هزاره‌ای منتظر منجی

خود بوده است، از این رو مسیحیان و مسلمانان نیز اینگونه بوده و بر فرض شروع هر هزاره، خود را برای آمدن منجی جهان آماده می‌نمایند.

این امر نشان می‌دهد همه ادیان در پی یافتن گمشده خود می‌گردند. اما در این میان کسانی نیز از سادگی مردم استفاده کرده و در هنگام فرا رسیدن سال ۱۰۰۰ قمری ادعاهایی نموده‌اند.

گویند اکبر شاه از پادشاهان مسلمان هندوستان مدعی شد که عمر اسلام از بعثت حضرت رسول اکرم ﷺ تا هزار سال است و پس از آن بایستی آئینی جدید آفریده شود. او به کمک دانشمندان عصر خود با در هم کردن چند دین، چیزی بنام آئین اکبری پدید آورد و بر مردم عصر خود تحمیل کرد که پس از مرگش این دین از یادها رفت. یا پس از ۱۰۰۰ سال از وفات امام حسن عسکری علیه السلام شخصی به نام سید علی محمد شیرازی خود را امام منتظر خواند و ادعا کرد که امام زمان است و سرانجام ادعای نبوت کرد و بایگری را در مردم رواج

داد.

دولت نامشروع و غاصب اسرائیل در مکانی به نام «هرمجدون» که به نام میدان جنگ آخر الزمان در کتاب «مکاشفه» یوحنا نام برده شده است، هتل‌ها و پارک‌های بسیاری را ساخته و آماده کرده تا مسیحیان در شروع هزاره جدید از این مکان دیدن کنند.

در جایی دیگر باز نظاره می‌کنیم که گروهی از مسیحیان در سال ۱۰۰۰ میلادی اموالشان را به فقرا بخشیدند و خود را برای استقبال از حضرت عیسی علیه السلام آماده نمودند، ولی سال ۱۰۰۰ میلادی گذشت و اتفاق خاصی نیفتاد. مجدداً در سال ۱۵۰۰ میلادی گروهی دیگر خود را آماده نمودند ولی آن هم به خوشی پایان یافت. در آستانه سال ۲۰۰۰ میلادی شور و هیجان مسیحیان عجیب بود، در آمریکا فرقه‌ای برای پیوستن به عیسی علیه السلام خودکشی کردند. اما گروه‌های دیگر به شکل و گونه‌ای دیگر منتظر بودند، در روزهای قبل از فرارسیدن سال ۲۰۰۰ تابلوهای بزرگی در سر چهار راه‌های

کشورهای اروپایی نصب کرده بودند که شمارش معکوس ساعت را به سوی سال ۲۰۰۰ نشان می‌داد. اما مطلب جالبتر آنکه در کتاب مکاشفه یوحنا عددی به نام ۶۶۶، معروف به عدد وحش، افراد بشر را به خود مشغول داشته است.

مفسران در تفسیر و توضیح این عدد، افرادی از جنس انسان را نام برده‌اند که به تعدادی از آنان اشاره می‌شود. مثلاً یزون، قیصر آزار دهنده مسیحیان که ترکیب عبری یزون قسر (یعنی نرون قیصر) به حساب ابجد با ۶۶۶ برابر است. شاید مراد دجال نیز باشد که آتش افروز است و دغلباز، او مجروح شده ولی از خطر مرگ‌رهایی می‌یابد. دجال دغلبازی است که یهودیان او را آرمیلوس و مسلمانان او را صائدبن صید می‌نامند.

اما مسیحیان نشانه‌هایی از دجال را به کرات نام برده‌اند. لوتر پس از آنکه در مقابل کلیسا قیام کرد مورد نفرت آنان قرار گرفت و به او لقب دجال دادند، یا ناپلئون و هیتلر به خاطر جنگ افروزی، یا میخائیل

گورباچف به خاطر نشان ماه گرفتگی که بر پیشانی و گوشه سرش نمایان است، و یا رونالد ریگان رئیس جمهور سابق آمریکا به خاطر طرح جنگ ستارگان و نام‌های شش حرفی او که نشان دهنده رمز ۶۶۶ است و یا هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا که یک صهیونیست فریبکار است و دهها مورد دیگر که می‌توان در این باره عنوان کرد.

و اینک ما شاهد آنیم که سردمداران غرب خصوصاً آمریکایی‌ها در پی آنند که چهره‌ی موعود «امام زمان» را تخریب نمایند. به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این موضوع شدت یافت، بیشتر فیلم‌هایی که در هالیوود ساخته شده است در جهت تخریب مهدویت با محوریت آخرالزمان می‌باشد.

مسئله‌ای که مطرح است به وجود آمدن حوادث اخیر در کشور عراق است که توسط آمریکا و غربیها صورت می‌گیرد. این حوادث گویای این نکته است که آمریکا و به طور کلی غربیها نیز از مسئله ظهور و اهمیت

عراق در آن زمان آگاهی دارند؛ زیرا بعضی از فضلا و طلابی که توسط آمریکایی ها دستگیر شده اند و به اسارت در آمده اند، بعد از آزادی اعلام داشته اند که در بازجویی ها، به صورت محرمانه، درباره ی امام زمان، ظهور امام زمان، یاران امام زمان، ارتباط مراجع موجود در نجف با امام زمان، طرز ایجاد ارتباط امام زمان با شیعیان و مسائلی از این قبیل را جویا می شدند که این نشانه ی توجه و حساسیت نیروهای اشغال گر به این مسئله مهم است.

مصلح جویی

افسردگی و اضطراب و خستگی از اوضاع مسلط بر جهان، متفکران بشر تهی از معنویت را به جستجو درباره ی نظریه ها و یا اندیشه های نوین برای دگرگون کردن این اوضاع فاسد، کشانیده است. اما هرگاه به ایده و یا اندیشه ای چنگ می زنند، در می یابند به جای این که

دشواری و بلا را بکاهد به عکس بر مشکلات می‌افزاید! انسان سرگردان این عصر به خاطر تشنگی فراوان روحی جهت دستیابی به پایگاهی استوار و جاوید، هر روز به سوی سر می‌کشد و لیکن چون به سرچشمه‌ی حیات دست نمی‌یازد، مردابها و گندآبها نه تنها تشنگی او را رفع نمی‌کنند، که بر بیماری‌های روحی و جسمی او می‌افزایند. انسان‌های اندیشمند این حقیقت را دریافته‌اند که: «این جهان به طور جدی در منجلاب فساد و تباهی به سر می‌برد، و تمام مکاتب اجتماعی کنونی در حل این تباهی‌ها به بن‌بست رسیده‌اند». آلن پیتون متفکر معاصر می‌گوید: هزاران سال است که سپیده سرزده و هرگز خطا نکرده است. اما این که چه هنگام سپیده راستین سرزند - سپیده دم آزادی ما از ترس و اسارت ترس - این یک راز است.

در پی تحولات قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی متفکران جوامع غربی از نظام سرمایه داری کاپیتالیستی تهی از دین و اخلاق به اردوگاه سوسیالیسم گرایش یافتند و

گمان کردند که سوسیالیسم می تواند به مشکلات حاصله از نظام خشک و بی روح سرمایه داری جوابی مناسب بدهد. ولی بعد از تجربه ای نزدیک به یک قرن، دیگر بار دوران مرگ سوسیالیسم افراطی نیز فرا رسید و کمونیسم پس از چند دهه حاکمیت بر بخش بزرگی از جهان، در آستانه زوال قرار گرفت.

تیبورمند نویسنده مجارستانی تبعه فرانسه می نویسد:

«حزب کمونیست هنوز استاد و فرمانده مطلق است. اما اردوگاههای کار اجباری خالی شده اند، امروز دیگر ترس و وحشت از پیش بر سر روسها سنگینی نمی کند و تهدیدی به شدت روزگارانگی که مارش اجباری به پیش در کار بود، در بر ندارد. مردم اجر و مزدی را که سزاوار آن اند خواستارند...»

بشریت از این همه نظامها که برای او به جای سعادت و آسایش، فلاکت و تباهی را به ارمغان آورده، بسیار خسته است. فساد اخلاقی و بی عفتی عمومی نسل های

آینده را در خطر نابودی قطعی قرار داده است. رسمیت یافتن اقدامات خلاف انسانیت در کشورهای به ظاهر مرفقی لکه تنگی را بردامن مغرب زمین گذارده است. خلاصه غرب بسیار آشفته و سخت خسته است، نه آشفته‌گی سیاسی، که آشفته‌گی اخلاقی - انسانی و نه خستگی از تولید بیشتر که خستگی از ارائه انسانیت. گویی که در گوش‌های جوانان مغرب زمین سرب داغ ریخته‌اند، که جز غریو غریزه حیوانی نوای دیگری را نمی‌شنوند، گویی که بر چشمهای نوجوانان آن مرز و بوم تنها تابلوهای مستهجن را ترسیم کرده‌اند و گویی که اندیشه در نسل نو مرده و باورهای راستین به اسطوره‌ای گراییده است که غرب باید پردازد. ستودن جامعه‌ای تهی از دین و معنویت، چنین ارمغانهایی را نیز به دنبال دارد! باز هم نور امید از شاخه‌های نورسته جوانان مشرق زمین می‌دمد و شکوفه‌های تازه و خوش بو را در میان آنان می‌توان مشاهده کرد.

در کنار همه این مشکلات، جو فکری آزاد حاکم بر

مردم در این عصر، فرصتی گران‌بها را به ارمغان آورده
برای؛ گوشه‌های آنانی که خود را برای شنیدن حق آماده
کرده‌اند. در این جو نوین، به برکت کم‌رنگ شدن
تعصب و تحجر مذهبی و برخورد ایده‌ها و اندیشه‌ها،
باید عقیده مهدویت را نه تنها به صورت یک اندیشه
مذهبی و دینی، بلکه به سان یک مسئله ضروری
تحقق‌پذیر مطرح نمود. زیرا اصل مهدویت در ضمیر
ناخودآگاه و عقل نهفته همه مردم جهان وجود دارد؛
بطوری که هرگز کسی را نمی‌توان یافت که برخوردار از
قدرت فکر و اندیشه سالم بوده و در ضمیر و عقل خود
پذیرای این مسئله نباشد. چون این وضع آکنده از فساد و
سرشار از دشواری‌ها و بحرانیات و جنگ‌ها و
تباهی‌ها، مصلح و نجات‌دهنده‌ای را می‌طلبد، که توازن
به هم خورده‌ی جهان را بازگرداند و بشریت را از این
همه فلاکت و بدبختی برهاند. افسردگی‌ها و دردهای بشر
در این عصر موجب شده است که وجدان خسته انسان
حق‌جو، آماده پذیرش عقیده مهدویت شود. عقلای بشر

در این عصر بر این باور هستند که «ظهور شخصیتی اصلاح‌گر که تمامی گیتی را زیر سایه حکومت عادلانه واحد ببرد، بسان ضرورتی در هستی لازم و بایسته است.»

جواهر لعل نهرو - رهبر پیشین هند - در نامه‌های خود به دخترش که با نام «نگاهی به تاریخ جهان» چاپ شده است، می‌نویسد: «فکر یک دولت بزرگ که بر سایر نواحی جهان مسلط باشد مخصوص و منحصر به رُم نبود.»

در چین و هند قدیم نیز همین فکر را می‌توان یافت... در روزگار قدیم اغلب مردم به صورت فرمانروایان عالم و دولتهای جهانی فکر می‌کردند... اکنون باز یک بار دیگر از تشکیل یک دولت جهانی صحبت می‌شود... مشکل است بگوییم که آیا چنین چیزی در آینده‌ی نزدیک تحقق خواهد یافت یا نه. اما در هر حال فعلاً دنیا در وضع بدی است و چنین به نظر می‌رسد که برای غلبه بر بیماریهای آن راه دیگری جز

تشکیل یک چنین حکومت واحد جهانی وجود ندارد.»
عقیده اصلاح جهان در پناه یک حکومت واحد جهانی که یک انسان صالح و کاملی در رأس آن باشد، سابقه‌ای دیرینه دارد. افلاطون فیلسوف یونانی، جامعه ایده‌آلی را طرح ریزی می‌کند که در آن نه از ظلم و ستم اثری است و نه از فقر و بدبختی. غایت نظام سیاسی افلاطون پیدایش «مدینه فاضله» است. افراد در آن جامعه به صورت اشتراکی زندگی می‌کنند. از نظر افلاطون جامعه مطلوب زمانی به وجود می‌آید که یا زمامداران، فیلسوف شوند و یا فیلسوفان زمامدار.

لذا اندیشه اداره جهان در سایه یک حکومت واحد و صالح جهانی سابقه زیادی دارد و اکثر اندیشمندان بشر بدان اقرار کرده‌اند. حتی کسانی که سر تسلیم در برابر مکتب انبیا فرود نیاورده‌اند، به ضرورت تشکیل چنین جامعه‌ای اعتراف کرده‌اند، چرا که این اعتقاد ریشه در سرشت آدمی دارد و هیچ صاحب فکری نمی‌پذیرد که جهان پیوسته در ستم و بیداد غوطه‌ور باشد.

و این داستان غم بار انسان همچنان ادامه خواهد یافت تا این که بشر از این همه سرگردانی رو به سوی آن یگانه انسان خود ساخته‌ای بیاورد که خدا او را برای نجات انسانها ذخیره فرموده و همگان را به یاری و نصرت او فرمان داده است.

منجی آخرالزمان^۱

گفتگو از «موعود ادیان» منجی آخرالزمان، گفتگویی است دیرین، با عمری به درازای خلقت انسان و سکناى او در عرصه‌ی خاک. این تاریخ بلند از یک سو و از سوی دیگر اشتراک آن در میان همه‌ی اقوام و ملل، حکایت از ذاتی بودن این معنا در نوع انسان دارد. شاید به مدد این باور مشترک و انتظاری که مصادیق آن را در میان آراء، اقوال و حتی اساطیر مختلف ساکن در گستره

۱. مجله تربیت، ضمیمه سیاسی، مهر و آبان ۸۳، مقاله آخرالزمان گفتگو
ملازم همیشگی حیات انسانی، نوشته: اسماعیل شفیعی سروستانی.

زمین می‌توان بر شمرد، بتوان انسان را «موجودی منتظر» تعریف کرد. این «موجود منتظر» که اتفاقاً همین تعریف او را از سایر موجودات متمایز ساخته است، در گذار از شرایط مختلف تاریخی و فراز و نشیب‌های حیات، همواره در تلاش برای گذر از «وضع موجود» و فراهم آوردن «وضع مطلوب» گونه‌های مختلف «فرهنگ‌ها» و «تمدن‌ها» را به نمایش گذارده است. تولد و حیات «تمدن‌ها» انعکاس این تمنای بزرگ است، چنان‌که رویگردانی بشر از بسیاری از فرهنگ‌ها، ایدئولوژی‌ها، نظریه‌ها و... نیز نشان از آن دارد که هیچ‌یک به تمامی، قادر به ارضای انسان و پاسخگویی به تمنای درونی او نبوده‌اند. به عبارت دیگر، انسان از همه آنچه که حقیقتاً نمی‌تواند پاسخگوی تمنای دستیابی او به «عدالت»، «آزادگی»، «اخلاق» و بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌های خدا باشد، دست شسته و بر شاه راه انتظار چشم به آینده‌ای برتر دوخته است. جالب توجه آنکه همه مدعیان نجات بشر، سعادت‌مندی و رفاه و امنیت نیز با

اشاره به همین «میل» و «تمنای» مشترک، امکان ماندن، بهره‌کشی و سوء استفاده از طبیعت زلال و صاف انسانها را پیدا کرده‌اند.

«موعود ادیان» نه یک پندار و یا خرافه و نه حاصل و محصول روزگار سخت زندگی و عکس العمل‌های روانی و احساسی است، بلکه واقعیتی است که ریشه در جان انسان دارد. از یک سو خرد انسانی و از دیگر سو بیان مشترک همه پیامبران الهی، تمامی حکیمان فرزانه، قدیسان آزاده و ادبیات همه اقوام و ملل این نکته را تأیید کرده و بدان صحنه می‌گذارد که «انتظار فرا رسیدن روز مقدس ظهور موعود ادیان»، انتظار فرا رسیدن روز کمال انسان است. بنابراین اگر بخواهیم عصاره‌ی تمام آرای موجود درباره‌ی «منجی موعود ادیان» را در چند کلمه خلاصه کنیم، جز این‌ها به دست نمی‌آید. چیزی که جملگی ادیان و منتظران آن موعود بر آن متفق‌اند یعنی: «رویکرد معنوی به عالم، عدالت فراگیر و بالاخره کوتاه شدن دست ابلیس از همه

ساحت‌های فکری، فرهنگی و مادی حیات
انسان.»

این سه امر مهم است که امروزه در وجود انسان‌ها
مبدل به آرزو و میل سرکوفته گشته است و این در حالی
است که فرهنگ و تمدن غربی با تکیه بر اومانیسم،
آمیریسم و ماتریالیسم طی چهار صد سال اخیر نه تنها
موجب بروز رویکرد صرفاً مادی به عالم و تغییر همه
تعاریف پذیرفته شده ادیان درباره انسان، جهان و
طبیعت شده؛ بلکه زمینه ظهور امپریالیسمی را فراهم
آورده که فراموشی همه سنتهای مقدس و باورهای قلبی
مشترک پیروان ادیان را با خود دارد. گویی بی آنکه
بخواهیم دست شیطان را به همه تار و پود انسان، جهان و
طبیعت آزاد گذاشته‌ایم و محصول این آزادی دست
شیطان، چیزی جز بالاگرفتن آمار بیماری‌های بنیان‌کن،
بحران‌های زیست محیطی، فقر، فساد، ظلم و تنهایی
انسان در عرصه زمین نیست.

شاید دریافت مشترک انسانها در وقت مشاهده این

همه بحران و یأس از انواع ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی طی همه سالهای قرن بیستم که بنا خود تنها وعده عدالت و بهروزی را داشتند، حکایت از رویکردی نو و اتفاقی مقدس دارد. حادثه‌ای که وقوع آن جز با گذر انسان از دروازه خود پرستی و روی آوردن به آسمان ممکن نبوده و نیست. این رویکرد، همراه با امید شیرین دیدار فصل رهایی انسان معاصر در اولین دهه از هزاره جدید به عالم معنا، آسمان و فرهنگ معنوی است. این رویکرد را در میان همه ملل و وجه مشخصی از آن را در چشم داشتن به «امر ظهور مقدس موعود آخرالزمان» که مورد توافق همه ادیان ابراهیمی و غیر آن است، می‌توان مشاهده کرد. این رویکرد اگر چه محصول عواملی که پیش از آن ذکر شده هست، لیکن انعکاس اراده‌ی آسمانی خالق هستی، «پایان شب سیه سفید است» می‌باشد و بنا نیست که دوری از آنچه که بهجت آفرین، عدالت‌زا و امنیت بخش کامل است روزی مقدر و همیشگی انسان باشد.

بروز رویکردی نوبه معنا و معنویت به ویژه در غرب طی دهه‌های اخیر و خیزش‌های اجتماعی و سیاسی در کشورهای صنعتی، برخی نظریه پردازان را به آرایه فرضیه‌هایی واداشته که حکایت از غفلت بزرگ از ماهیت وقایع جاری در شرق و غرب عالم می‌کند.

ایده‌هایی همچون «پایان تاریخ» بر این فرض استوار بود که بشر آخرین تجربه و کامل‌ترین آن را در تنظیم مناسبات فردی و اجتماعی فراروی خویش دارد. وضعی که مصداق کامل آن را در مدینه «لیبرال سرمایه داری» آمریکا معرفی می‌کنند، دیگر نیازی به جنبش و کوشش برای تغییر و یا حتی اصلاح وضع موجود نیست و بشر ناگزیر باید همه عقربه‌ها را به سوی قطب این مدینه تنظیم کند.

این واقعه اگر چه برخی سیاست مداران را مایل به تجربه «روشی متکی به قدرت» برای گسیل داشتن همه فرهنگها، تمدن‌ها و ملل به سمت خاستگاه «لیبرال سرمایه داری» کرده اما پوشیده نمانده است که جمله‌ی

صاحبان خرد بر این قول اتفاق نظر دارند که این تجربه نه تنها کامل‌ترین و نهانی‌ترین تجربه نیست، بلکه به دلیل دورماندن آن از معنا و مفهوم حقیقی عدالت و غفلت آن از وجه باطنی و سرشت مقدس انسان و طبیعت، با جهت‌گیری یکسویه محکوم به «انتهای رسیدن»، خود سرآغاز پوچی، تکرار شدن در خود و پایان فرصت زیستن در عرصه زمین است. البته با این درک و معنی، پایان تاریخی متکی بر مادی‌گرایی صرف، پایان تاریخی است که در ذات خود نطفه‌ی بحران، یأس، فقر و بی‌عدالتی را دارد.

این پایان موجه شروعی نو است. صدای زنگ این تاریخ نو را بسیاری هوشمندانه شنیده‌اند، صدای این زنگ در غرب طنین‌انداز است. تاریخی که نوید مهیا شدن صحن خانه‌های دل مردم سراسر جهان برای استقبال از «موعود و منجی آخرالزمان» را می‌دهد.

نسیمی وزیدن گرفته که برای درک لحظات فرح بخش آن می‌بایست در معرض آن قرار گرفت و همگان

را بدان دعوت کرد. وزش این نسیم جانبخش را همگان احساس می‌کنند حتی آنان که تداوم آن را قرین با به هم ریختگی بساط شعبده و دروغ و سلطه خویش می‌شناسند. شاید از همین رو است که با تمامی قوا سعی در بهره جویی از این وضع و به دست گرفتن ابتکار عمل کرده‌اند، آن هم با طرح موضوع «نزدیکی ظهور منجی موعود» و ضرورت آمادگی برای استقبال از این منجی آسمانی و مصداق مشخص و پذیرفته شده آن در آیین مسیحیت یعنی «عیسی علیه السلام».

امروزه یکی از مهم‌ترین موضوعات و البته مشترک میان همه ما که از «موعود ادیان» سخن به میان می‌آوریم دست مایه حرکت‌های سازمان یافته سیاست‌مداران و سرمایه‌داران مدینه لیبرال سرمایه‌داری آمریکا قرار گرفته چنانکه بزرگ‌ترین استراتژی‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی به اتکای آن تنظیم شده و به اجرا در آمده است.

زمینه‌سازی برای ظهور منجی موعود چنان که همه

ادیان و اقوام با صمیمیت از آن گفتگو می‌کنند و از رحمت، شفقت، لطف، نوازش، انسان دوستی، نورانیت، نجات بخشی و ظلم ستیزی او یاد می‌کنند در وظیفه کسانی وارد شده که از خشونت، بی‌مهری، کینه‌ورزی، بحران‌سازی و بی‌عدالتی در عرصه فرهنگ و تمدن مردم به دورند؛ آنان که مانند همه خستگان و مستضعفان برای فرارسیدن منجی از آسمان دست بلند کرده و از دل و جان برای آمدنش لحظه شماری می‌کنند.

با توجه به این موارد می‌توان گفت غریبها بر این باورند که اعتقاد به موعود در تمدن‌های دنیا خصوصاً تمدن الهی اسلام، تمدن مادی آنان را تهدید نموده و سلطه ظالمانه آنان بر ملت‌های جهان را از میان بر می‌دارد. بنا براین می‌بینید که آنها از هر عنصر اطلاعاتی استفاده می‌کنند تا زنگهای خطر را در گوش ملت‌ها به صدا در آورند و به حرکت جدید انقلاب و روند آینده آن در مکه و مصر و دیگر نقاط جهان چشم دوخته‌اند تا مانع از پیروزی ملت‌های مستضعف دنیا گردند و همچنان

بت سلطه‌گری خود را حفظ کنند. به این ترتیب طی یکی دو دهه گذشته و اوج‌گیری اعتقاد به موعود در سالهای اخیر و هم‌زمان با بروز خط‌مشی کلان‌سیاست خارجی آمریکا که امروزه همه قدرت‌نظامی و اقتصادی رانیز با خود همراه ساخته است، ساخت‌صدها فیلم سینمایی با سرمایه‌های کلان‌هالیوود که عموماً موضوعاتی چون «آخرالزمان»، «ظهور منجی» و «آرماگدون» و دیگر مضامین مربوط به «فرهنگ موعودی» را دست‌مایه اصلی کار خود قرار داده‌اند، اتفاقی ساده و یا بهانه‌ای برای فروش فیلم‌ها و جلب تماشاگر نیست؟

امروزه صدها پایگاه اطلاع‌رسانی، موضوع «پیشگویی‌ها» درباره آخرالزمان را اساس همه تحلیل‌ها و تفسیرهای خود درباره رخدادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی اجتماعی جهان قرار داده‌اند و با متمرکز ساختن همه این مباحث در حوزه جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی خاورمیانه و به ویژه فلسطین، سعی در القای این

معنا دارند که ظهور حضرت عیسی علیه السلام نزدیک است. از جمله فعالیت‌های آنها که مستقیماً مربوط به اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام صورت گرفته است ساخت فیلم «نوسترا داموس» است. این فیلم سرگذشت زندگی ستاره شناس و پزشک فرانسوی بنام «میشیل نوسترا داموس» است که نزدیک به ۵۰۰ سال قبل می‌زیست.

وی پیشگویی‌های خود را درباره آینده به رشته تحریر در آورده، که مهمترین آنها پیشگویی او درباره نواده پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه مکرمه و وحدت بخشیدن به مسلمانان و به زیر پرچم خود آوردن آنها و پیروزی بر اروپائیان و ویران کردن شهر و یا شهرهای بزرگ سرزمین (آمریکا) است.

ما ناگزیریم عشق به «منجی موعود» را که تاریخ آینده همه ملت‌های مظلوم و دردمند را می‌سازد در گوش فرزندانمان بخوانیم تا این عشق، آنان را برای تاریخی که متعلق به آنهاست، مهیا کند و از گرفتار آمدن در دام‌های گسترده ابلیس در امان نگه دارد.

منجی آخرالزمان ۱۰۱

ما ناگزیریم بدانیم «دجال»، آن که همه امکانات، فرصت‌ها و ادوات را وسیله نشر تباهی اخلاقی، بی‌عدالتی و سلطه‌جویی در عصر ما و در وقت ظهور منجی موعود قرار می‌دهد، چگونه خود را می‌نمایاند و چگونه عمل می‌کند؟ مبادا که مصادیقش را از یاد ببریم. ما ناگزیریم بدانیم که آن منجی موعود با لبخندی بر لب، دست‌های گشاده و سخاوتمند و با چشمانی مهربان برای همراهی با همه مظلومان و مستضعفان می‌آید و نیازمند حمایت هیچ شمشیر و سلاحی که خون مظلومان و بندگان خداوند را بر تیغه خود دارد، نیست. چه، همگان می‌دانند که از سیاهی، نور و از ظلم، عدالت زاده نمی‌شود. ما ناگزیریم خود را برای آمدنش مهیا کنیم، مبادا که بیاید و ما را خفته ببیند. چنان که راضی و امیدوار به این کلام پیامبر اسلام ﷺ، هستیم که فرمود:

«خروج می‌کند مردی از اهل بیت من، خروج می‌کند و خدا برکت خود را به سبب او از آسمان نازل می‌فرماید و برکات زمین را پر از

عدل می‌نماید، بعد از آنکه پر شده باشد از

ظلم و جور.»

او را به هر نام که می‌خواهید بخوانید؛ چه صاحب،
چه قائم و ماشیح، چه بهرام، چه شماخیل و خجسته، چه
پرویز، چه فردوس اکبر و میزان الحق، چه منصور و
ایستاده، چه فرخنده، چه راهنما و پسر انسان، چه مهدی،
چه سوشیانس و هادی، جملگی یک اسم پیش‌تر
نیستند، صورت‌هایی از یک حقیقت ثابت، از تمامیت
نور، از جوهر عدل و جان مایه مهربانی و لطف؛ و
می‌آید تارنگ خود را به همه عالم بزند. تا نور و عدل و
مهربانی همه گیر و جای گیر شود.

انشاءالله

فهرست منابع

۱. الهامی نیا، علی اصغر، نهضت انتظار و انقلاب اسلامی (۱)، ناشر: معاونت آموزشی نیروی مقاومت

بسیج.

۲. برنجیان، جلال؛ آینده جهان، موسسه تحقیقات و انتشارات طور.

۳. تربیت، ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ضمیمه سیاسی، تهران، سال بیستم، شماره ۱، مهر و

آبان ۸۳

۴. خورشید مکه، نشریه ویژه امام عصر (عج)، قم، سال سوم، ماهنامه فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، تیر ۸۳، شماره ۱۸.

۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، ناشر: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۶. محسن، همتی، آینده جهان، در سایه سار حکومت اسلامی حضرت مهدی (عج)، تهران، انتشارات نشر نذیر.

۷. نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، تالیف: حیدری، احمد - الهامی نیا، علی اصغر - قاسمیان، حسن - رفیعی، رمضانعلی، ناشر: معاونت آموزشی نیروی مقاومت بسیج سپاه.

۸. هاشم العمیدی، سید ثامر، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه: محمد باقر محبوب القلوب، انتشارات مسجد جمکران.